



روایت‌های معلمان از مشکلات یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی
احسان یوسفی^{۱*} و محسن نوبخت^۲

Teachers' Narratives of Elementary School Students' Learning Difficulties
Ehsan Yoosefi^{1*} and Mohsen Noubakht²

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

Abstract

The purpose of this study was to analyze teachers' narratives of learning difficulties of elementary school students. This research was conducted with a qualitative approach and using the method of narrative research. First, 6 male and female teachers of an elementary school in Bilesvar city, who were chosen based on purposive sampling, sat a semi-structured interview until data saturation was obtained. The interviews were analyzed using thematic (categorical) analysis. In the deep analysis and perception of teachers' narrative, three main themes including individual factors with subtopics of 'lack of motivation for progress' and 'learning disabilities', family factors with the sub-themes of 'low socio-economic status of parents' and 'poor emotional relationships between parents and children' and school factors with the sub-themes of 'inappropriate assessment methods' and 'unfavorable atmosphere in the classroom' were identified. Due to the fact that in this study, the effective factors on the students' learning problems were identified from the teachers' narratives, the necessary training should be provided to the teachers and families depending on the nature of the problem. Early detection of learning disabilities in children will be an effective step in preventing academic failure.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل روایت‌های معلمان از مشکلات یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود که با رویکرد کیفی و با استفاده از روایت‌پژوهی انجام شد. در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، پس از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با شش نفر از معلمان زن و مرد یک مدرسه ابتدایی در شهرستان بیل‌سوار، اشباع داده‌ها حاصل شد. تحلیل داده‌ها، به شکل کدگذاری سه‌مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. در تحلیل و ادراک عمیق روایت معلمان، سه مضمون اصلی شامل عوامل فردی با زیرمضمون‌های نداشتن انگیزش پیشرفت و اختلالات یادگیری؛ عوامل خانوادگی با زیرمضمون‌های وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین والدین و روابط عاطفی ضعیف والدین با بچه‌ها و عوامل مدرسه‌ای با زیرمضمون‌های نامتناسب بودن روش‌های ارزشیابی و جو نامطلوب کلاس درس شناسایی شدند. با توجه به این که در این پژوهش، عوامل مؤثر بر مشکلات یادگیری دانش‌آموزان از روایت‌های معلمان آشکار گردید، به تناسب نوع مشکل، باید آموزش‌های لازم به معلمان و خانواده‌ها ارائه شود. شناسایی و تشخیص زودهنگام مشکلات یادگیری در کودکان، گام مؤثری در پیشگیری از افت تحصیلی خواهد بود.

Keywords: Narrative Studies, learning difficulties, learning disability

واژه‌های کلیدی: روایت‌پژوهی، مشکلات یادگیری، ناتوانی یادگیری

1. BA student of educational sciences (elementary education), Farhangian University, Ardabil, Iran

۱. دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی (آموزش ابتدایی)، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران

2. Assistant professor, Farhangian University, Ardabil, Iran

۲. استادیار، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران

*Corresponding Author, Email: dabir.ap@gmail.com

* نویسنده مسئول:

مقدمه

از مسائل مبتلا به آموزش و پرورش این است که دانش‌آموزانی مشاهده می‌شوند که در امر یادگیری دارای مشکلاتی هستند و قادر نیستند به طور طبیعی به یادگیری بپردازند و به همین جهت همواره از افراد همسال خود در این زمینه عقب‌تر هستند. این موضوع درحالی است که بسیاری از افراد مبتلا به مشکلات یادگیری از نظر هوشی و نیز سایر توانایی‌های ذهنی در سطح مناسبی‌اند (قریشی‌راد، ۱۳۸۶). وجود مشکلات یادگیری در دانش‌آموزان منجر به افت تحصیلی، کاهش عزت نفس و ترک تحصیل آن‌ها می‌شود. برچسب‌های «عقب‌مانده»، «تنبل» و غیره به این قبیل دانش‌آموزان، آنها را از ادامه تحصیل باز می‌دارد و لطمات جبران‌ناپذیری از نظر روانی و اقتصادی به کودک و خانواده و نظام آموزش و پرورش کشور وارد خواهد کرد. از آنجا که مشکلات یادگیری مانع از شکوفایی استعدادها و دانش‌آموزان می‌شود و باعث سرخوردگی و تحقیر آن‌ها می‌گردد، شناسایی و تشخیص مشکلات یادگیری و اقدام در مورد درمان و رفع مشکل آنان امری است که باید مورد توجه دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت قرار گیرد (شفاهی و صالحی، ۱۳۹۶).

شناسایی و غلبه بر مشکلات دانش‌آموزان در طول فرایند یادگیری آنها نه تنها نیاز به آموزش مدرن دارد، بلکه همچنین بخشی از مسئولیت‌های معلمان است (ویجایا، رتناواتی، ستینینگرام و اوپاما، ۲۰۱۹). برای معلمان بسیار مهم است که از مشکلات دانش‌آموزان خود در یادگیری مطلع شوند تا فعالیت‌های یادگیری را به‌طور مؤثر توسعه و انجام دهند؛ این انتظار حاکی از آن است که معلمان باید شایستگی لازم را برای شناسایی مشکلات یادگیری دانش‌آموزان داشته باشند (نوری، پرامانا و فاتماواتی^۲، ۲۰۱۹). مشکلات یادگیری اکثراً در مرحله ورود به مدرسه و بعد از آن شناخته می‌شوند، هر چند که ممکن است نشانه‌هایی را در سنین قبل از دبستان نیز در کودکان مشاهده کرد (نریمانی و رجبی، ۱۳۸۴)؛ در سبب‌شناسی اختلال یادگیری از دیدگاه پزشکی، علت این مشکلات به منشاء زیستی آن و زمینه‌هایی از قبیل آسیب و ضایعه مغزی نسبت داده می‌شود. روان‌شناسان در این زمینه به جستجوی مواردی از قبیل مشکلات ادراکی، رفتار تکانشی، رفتار بی‌وقفه، تکرار غیرارادی و بیش‌فعالی پرداخته‌اند. دانش مربوط به زبان، مشکلات یادگیری را به عنوان پدیده‌ای نو در قلمرو مشکلات زبان مورد توجه قرار داده و در این خصوص به مواردی نظیر نارساخوانی، اختلالات زبان بیانی و دریافتی پرداخته‌اند. علوم آزمایشگاهی به جای پرداختن به علت و ریشه روان‌شناختی این اختلال، بیشترین تأکید خود را بر شرایط یادگیری معطوف داشته است (کیانی، اسدی و محمدی، ۱۳۹۶).

امروزه اصطلاح اختلال در یادگیری به وسیله روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار گرفته است؛ درحالی که متخصصان پزشکی اختلال یادگیری را به مشکلات یادگیری

1. Wijaya, Retnawati, Setyaningrum & Aoyama
2. Nuari, Prahmana, & Fatmawati

نسبت می‌دهند (نوری‌زاد و مرادیان، ۱۳۹۷)؛ کودکان مبتلا به مشکلات یادگیری، معمولاً از لحاظ هوشی دارای مشکل نیستند، اما به دلیل نقص در مسیر پردازش اطلاعات در مغزشان، عملکرد ذهنی پایینی را نشان می‌دهند. به زبان ساده می‌توان گفت ناتوانی یادگیری از تفاوت در مسیرهای عصبی و ارتباط آنها در مغز ناشی می‌شود. ناتوانی یادگیری مشکلاتی هستند که بر توانایی مغزی در دریافت، پردازش و ذخیره اطلاعات تاثیر می‌گذارد. این مشکلات باعث می‌شود یک دانش‌آموز بسیار کندتر از فردی که این مشکل را ندارد، مطالب را یاد بگیرد (لرنر^۱، ۱۳۸۴).

براساس نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه مشکلات یادگیری، عوامل مختلفی وجود دارد که یادگیری دانش‌آموزان را به مخاطره می‌اندازد و مشکلاتی را در درک و فهم مطالب و انجام تکالیف برای آنها ایجاد می‌کند. برای مثال، در پژوهش‌های مختلف رابطه بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده با مشکلات یادگیری یا افت تحصیلی دانش‌آموزان نشان داده شده است (دادفر، بازدار، نصرالهی، عبدالحسینی و احمدی، ۱۳۹۲). رفتار والدین با یکدیگر و تعامل آنها با کودک و به‌طور کلی جو عاطفی خانواده به عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر در رفتار و سازگاری کودک به شمار می‌رود. کودکی که در خانواده احساس تبعیض و طردشدگی و ناامنی می‌کند ممکن است از نظر بهداشت روانی مورد تهدید قرار گیرد و این امر، به تدریج باعث می‌شود که کودکان انگیزه یادگیری را از دست دهند. سبک‌های تربیتی ناکارآمد و تعامل نامناسب والد-کودک به مشکلات رفتاری و آسیب روان‌شناختی منجر خواهد شد (شکوهی‌یکتا، پرند و درگاهی، ۱۳۹۵). در کلاس درس غالباً مجموعه عوامل متعددی دست به دست هم می‌دهند و جو روانی به خصوصی را در کلاس پدید می‌آورند؛ اما می‌توان گفت که نقش معلم در به وجود آوردن چنین فضایی به مراتب مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر است. محققان و دست‌اندرکاران آموزشی ادعا می‌کنند که جو حمایتی مدرسه و کلاس می‌تواند بر نتایج تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مثبت بگذارد (برکوئیتز، مور، آستور و بن‌بنیشتی^۲، ۲۰۱۷). همچنین نبود انگیزه تحصیلی مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را بیشتر می‌کند. انگیزش پیشرفت تحصیلی، نقش اساسی و مهمی در یادگیری دارد و موتور حرکت فرد برای رفتارهایی است که به یادگیری بهتر و مؤثرتر منجر می‌شود (علائی، نریمانی و علائی، ۱۳۹۱).

یافته‌های پژوهش درتاج، زارعی، علی‌آبادی، فرج‌اللهی و دلاور (۱۳۹۵)، نشان داد که بین انگیزش پیشرفت و موفقیت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد. نتایج پژوهش رضایی، یارمحمدیان و فرهادی (۱۳۹۷)، پیرامون آسیب‌های روانی کودکان نشان داد که بسیاری از خانواده‌ها از شیوه‌های تربیتی نامطلوب که منشأ ترس، عدم اعتماد، احساس نارضایتی، بدبینی و اضطراب در فرزندان آنها می‌شود استفاده می‌کنند. نتایج مطالعه رضایی، کشاورزی و پاکی (۲۰۱۸)، نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با عملکرد خانواده‌های آنها ارتباط زیادی دارد. بنابراین برای بهبود وضعیت

1. Lerner

2. Berkowitz, Moore, Astor & Benbenishty

آموزشی دانش‌آموزان در برنامه‌های فرهنگی و آموزشی، که برای آن‌ها مشخص شده است، برنامه‌های عملکرد خانواده باید در قلب توجه قرار گیرند. والدین همچنین باید نیازها و توانایی‌های فرزندان خود را تشخیص دهند. بر طبق نتایج پژوهش کرمعلیان، جعفری و عبادی (۱۳۹۲)، وقت‌گیر بودن کار ارزشیابی توصیفی به دلیل تنوع ابزارها، مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را بیشتر کرده است. بهاری قره‌گوز و هاشمی (۱۳۹۱)، در تحقیقی نشان داده‌اند که فراوانی مشکلات ویژه یادگیری در دانش‌آموزان پایه‌های تحصیلی مختلف، متفاوت است. با توجه به نتایج به دست آمده بیشترین میزان ابتلا به مشکلات ویژه یادگیری در دانش‌آموزان پایه دوم دبستان است و این امر احتمالاً به این علت است که دانش‌آموزان در این پایه هنوز به طور کامل به توانایی خواندن و نوشتن تسلط پیدا نکرده‌اند و همین امر باعث می‌شود که در حین خواندن و نوشتن، با مشکلات و اشتباهات بیشتری مواجه شوند و به زمان بیشتری نیاز دارند تا بتوانند کلمات را شناسایی و رمزگشایی کنند و معانی و مفاهیم آن را درک نمایند. ابوالقاسمی، گلپور، نریمانی و قمری (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که عوامل مربوط به بافت زندگی کودکان نظیر درآمد والدین، سطح سواد آنان، فقر و میزان دسترسی به مواد آموزشی بروز مشکلات یادگیری را به عنوان مشکلاتی وابسته به محیط تحت تأثیر قرار می‌دهند. در واقع، وضعیت اجتماعی-اقتصادی به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده در روابط بین عوامل زیستی و بروز اختلالات یادگیری نقش مهمی دارد. به‌علاوه، طبق این مدل، محل سکونت نیز به طور معناداری شیوع اختلالات یادگیری را در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی پیش‌بینی می‌کند. در پژوهش خوش‌خلق و شریفی (۱۳۸۹) برخی مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را با نبود معلمان کیفی و عدم آشنایی معلمان و مدیران با اهداف، ویژگی‌ها و ابزارهای ارزشیابی توصیفی و عدم بازدهی در کلاس‌های پرجمعیت مرتبط دانسته‌اند. میرشمشیری (۱۳۸۸) در پژوهشی با رویکردی نقادانه به بررسی شرایط فیزیکی و اجتماعی مدرسه، کتاب‌های درسی، برنامه کلاسی، سازماندهی و تلفیق بین درس‌های مختلف و نظام ارزشیابی پرداخته است. به بیان محقق، یکسان فرض کردن دانش‌آموزان علی‌رغم استعدادها و تفاوت‌های فرهنگی آنان، مفهوم عدالت آموزشی در مدارس را مخدوش می‌کند؛ اگر دانش‌آموزان عدالت اجتماعی را در متن و بطن مدرسه نیاموزند، در کجا خواهند آموخت؟ نریمانی (۱۳۸۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی مشکلات خاص یادگیری در دوره ابتدایی و عوامل مؤثر بر آن در اردبیل دریافت که میزان شیوع مشکلات خاص یادگیری در دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر است. همچنین طبق نتایج پژوهش، اختلال کمبود توجه و تشخیص شنیداری دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری در مقایسه با دانش‌آموزان عادی بیشتر است.

ویجایا، رتناواتی، ستینینگرام و اوایاما (۲۰۱۹)، مطالعه‌ای با هدف بررسی ادراک و عملکرد معلمان در مورد تشخیص مشکلات یادگیری دانش‌آموزان انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که معلمان به طور عمیق به شناسایی مشکلات دانش‌آموزان در یادگیری ریاضیات نمی‌پردازند. نتایج حاکی از

آن است که برای بهبود مهارت‌های معلمان به ویژه در تشخیص مشکلات فرایند تفکر دانش‌آموزان هنگام یادگیری ریاضیات، نیاز به حمایت بیشتری است. در پژوهشی که ماریانی، حسنا، وانگید، موستادی و واحه‌چارت^۱ (۲۰۱۸)، در ارتباط با مشکلات یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی پاکستان انجام داده‌اند نتایج نشان داد که بیشترین درصد مشکلات یادگیری دانش‌آموزان مربوط به صلاحیت پایه بود. علت آن کم‌توجهی و انگیزه ناکافی دانش‌آموزان برای یادگیری علوم طبیعی، روش‌های تدریس نادرست، کم‌توجهی والدین و تأثیر منفی رسانه‌های گروهی بود. نتایج پژوهش‌های کورتیلا و هوروویتز^۲ (۲۰۱۴)، در زمینه ارزیابی ملی پیشرفت آموزشی^۳، در ایالات متحده نشان می‌دهد که در زمینه سواد خواندن و ریاضیات ۶۹٪ دانش‌آموزان کلاس چهارم و ۶۰٪ دانش‌آموزان کلاس هشتم مشکلات یادگیری خواندن دارند. مشکلات یادگیری ریاضیات در دانش‌آموزان کلاس چهارم ۴۵٪ و در دانش‌آموزان کلاس هشتم، ۶۵٪ است. این داده‌ها حاکی از آن است که مشکلات یادگیری دانش‌آموزان کلاس چهارم تا هشتم نسبتاً بالاست. کوبان کوچ^۴ (۲۰۱۶)، در پژوهشی نشان داده که وضعیت اقتصادی-اجتماعی، که به طور کلی عواملی مانند سابقه تحصیلی والدین، شغل و سطح درآمد را در بر می‌گیرد، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای پیشرفت دانش‌آموزان است. یعنی دانش‌آموزانی که وضعیت اقتصادی-اجتماعی والدین آنان بالاتر است، عملکرد تحصیلی بهتری را نشان می‌دهند. نتایج پژوهش واله، رگوریو، نونز، رودریگز، پینرو و روساریو^۵ (۲۰۱۶) نشان داد که تکالیف و پروژه‌ها به عنوان ابزار ارزشیابی از دانسته‌های دانش‌آموزان در صورتی مفید خواهد بود که متناسب با شرایط دانش‌آموزان باشد. تصمیم معلم برای به‌کارگیری راهبرد یادگیری مبتنی بر پروژه باعث پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود (ابوبکار، مدوگو و ایدریس^۶، ۲۰۲۰).

در بسیاری از کودکان و نوجوانان توانایی‌های بالقوه برای عملکرد تحصیلی بهتر و کسب موفقیت وجود دارد؛ اما آمارها نشان می‌دهد هر ساله تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان دچار افت تحصیلی، مردودی و مشکلات ناشی از آن می‌شوند و علاوه بر اتلاف عمر خود و سرمایه‌های اقتصادی خانواده، خسارت‌های هنگفتی را بر اقتصاد ملی تحمیل می‌سازند (سیف نراقی و نادری، ۱۳۹۸). در سال‌های اخیر هر چند که پژوهش‌های زیادی در مورد کودکان مبتلا به مشکلات یادگیری صورت گرفته است؛ اما همچنان سردرگمی‌هایی در مورد آنان وجود دارد. مشکلات یادگیری دانش‌آموزان باعث افت تحصیلی آنها شده و باعث اتلاف سرمایه‌های اقتصادی خانواده می‌شود (سیف نراقی و نادری، ۱۳۹۸). عدم آشنایی برنامه‌ریزان آموزشی، مؤلفان کتب درسی، معلمان و والدین با مشکلات یادگیری چه بسا می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر کودکان وارد کند. لذا شناخت عوامل مؤثر بر

1. Maryani, Husna, Wangid, Mustadi & Vahechart

2. Cortiella & Horowitz

3. NAEP (National Assessment of Educational Progress)

4. Koban Koch

5. Valle, Regueiro, Nunez, Rodriguez, Pineiro & Rosario

6. Abubakar, Madugu, & Idris

مشکلات یادگیری کودکان ضروری به نظر می‌رسد. مطالعات فراوانی سعی در بررسی عوامل ایجاد مشکلات یادگیری و مشکلات ناشی از آن داشته است؛ با این حال غالب این پژوهش‌ها مبتنی بر شیوه کمی بوده و فاقد نگاهی کل‌نگر به مسائل یادگیری است. با توجه به شیوع مشکلات یادگیری در بین دانش‌آموزان، تشخیص، آموزش و توان‌بخشی به‌هنگام می‌تواند باعث کاهش مشکلات و آسیب‌های موجود در راه آموزش و درمان این کودکان شود. در پژوهش حاضر تلاش شده تا با رویکردی کیفی، کل‌نگرانه و مبتنی بر ادراک و روایت معلمان، مسائل و مشکلات یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی مورد واکاوی قرار گرفته و بازنمایی شود. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر، این است که بر پایه روایت‌های معلمان، مشکلات یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی، چیست؟

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش کیفی و رویکرد تحلیل روایی یا روایت‌پژوهی انجام شد. نگارش مقالات به روش کیفی، متضمن گزارش داده‌های متنی است و با لغات، موضوعات و نوشته‌ها مشخص می‌شود. اغلب از نقل قول‌های مستقیم شرکت‌کنندگان استفاده می‌شود و از ضمیر اول شخص مفرد یا در اصطلاح صدای فعال استفاده می‌شود. چنین صدایی منجر به اطمینان بیشتر می‌شود (شفاهی و صالحی، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر سعی شد، این ویژگی‌ها در نگارش مورد توجه قرار گیرد. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد؛ به عبارت دیگر انتخاب معلمان مبتنی بر هدف - یعنی معلمانی که تخصص لازم در زمینه موضوع مورد مطالعه را داشته‌اند - بوده است و گروه معلمان مصاحبه‌شده به لحاظ آشنایی و تجربه آموزشی در وضعیت مناسبی قرار داشتند. در این تحقیق با شش نفر از معلمان زن و مرد یک مدرسه ابتدایی در شهرستان بيله‌سوار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد و اطلاعات با روش مصاحبه تلفنی و یادداشت‌برداری به طور همزمان گردآوری شدند. دامنه زمانی مصاحبه از ۳۰ تا ۴۰ دقیقه متغیر بود و در فرایند مصاحبه‌ها، ابتدا از معلمان راجع به دانش‌آموزانی که در حال حاضر و در سال‌های گذشته در کلاس ایشان عملکرد مناسبی نداشته‌اند و دلایل عدم یادگیری آنها سؤال شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون^۱ (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰) است؛ به این صورت که در آن کدگذاری داده‌های گردآوری شده در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. در مسیر اعتباربخشی به یافته‌ها، محقق با در اختیار قرار دادن متن مصاحبه‌ها در اختیار مصاحبه‌شوندگان، سعی کرد تا دریابد آیا شرکت‌کنندگان با تمام برداشت‌های محقق از مصاحبه موافق‌اند یا خیر. این اقدام در قالب واریسی مجدد مشارکت‌کننده‌ها انجام گرفت که نتایج نشان‌دهنده اعتبار بالای یافته‌ها بود.

1. Thematic analysis

یافته‌ها

در مرحله کدگذاری باز ۲۳ مضمون اولیه به دست آمد که پس از ترکیب آن‌ها و مقایسه کدهای مشترک در مرحله دوم که همان کدگذاری محوری است، مقوله‌های نداشتن انگیزش پیشرفت، اختلالات یادگیری، وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین والدین، کمبود روابط عاطفی والدین با بچه‌ها، نامتناسب بودن روش‌های ارزشیابی و جو نامطلوب کلاس استخراج شد. در مرحله آخر نیز طبق فرایند کدگذاری انتخابی، سه عامل فردی (دانش‌آموزی)، خانوادگی و مدرسه‌ای استخراج شدند. جدول (۱) مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی را نشان می‌دهد که در ادامه به تشریح آن پرداخته می‌شود.

جدول (۱) مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	مصادیق (روایت‌های معلمان)	کدگذاری باز
		یکی از دلایل مشکلات یادگیری دانش‌آموزانم نداشتن هدف و انگیزه پیشرفت است. برخی بچه‌ها نسبت به درس و یادگیری بی‌تفاوتند.	نداشتن هدف و انگیزه
	نداشتن انگیزش پیشرفت	به نظرم شاگردان این مدرسه مشکل استعداد تحصیلی و هوش ندارند. آن‌ها علاقه‌ای برای یادگیری از خود نشان نمی‌دهند.	نداشتن علاقه برای یادگیری
		آن‌ها از اعتماد به نفس پایین و کمبود انگیزه رنج می‌برند که دلایل این کمبود به نوع شغل و سطح سواد والدین و دیگر عوامل هم مربوط می‌شود.	اعتماد به نفس پایین
عوامل فردی یا دانش‌آموزی		برای این که ما بتوانیم انگیزه انجام تکالیف را در بچه‌ها بیشتر کنیم یه روش این است که به آن‌ها تکالیف مناسبی بدیم تا از عهده حل آن‌ها برآیند.	انجام ندادن تکالیف
	اختلالات یادگیری	معلم‌ها آشنایی کافی با این نوع اختلالات شاگردان ندارند و بچه‌هایی که با مشکلات و اختلالات یادگیری همراه‌اند آن‌ها را تنبل می‌شناسند و در نتیجه ممکنه شاگردی که اختلال یادگیری داشته باشه نتنها شناسایی نشه بلکه مشکلات آن بیشتر هم بشه.	عدم آشنایی با اختلالات یادگیری
		مثلاً دانش‌آموزانی که مشکل روخوانی متن کتاب درسی را دارند در حقیقت ممکنه این مشکل ناشی از یه نوع اختلال جسمی و روانی باشه و معلم علت این اختلال را درست تشخیص نده و در ادامه مشکل شاگرد بیشتر بشه.	اختلال جسمی و روانی

ادامه جدول (۱) مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	مصادیق (روایت‌های معلمان)	کدگذاری باز
عوامل فردی یا دانش‌آموزی		بسیاری از معلمان دوره‌های ابتدایی در کلاس‌های خود با دانش‌آموزانی رو به رو می‌شوند که در یک یا چند زمینه مانند صحبت کردن، روخوانی، املانویسی و یا ریاضیات مشکل دارند.	مشکل در ریاضیات و روخوانی
		مشکلاتی مانند کم‌توجهی - بیش‌فعالی هم به روش‌های گوناگونی بر زندگی کودک اثر می‌گذارد و باعث میشه بچه‌ها در یادگیری دچار مشکل شوند، به نظر می‌سد این دانش‌آموزان از یک نارسایی مغزی رنج می‌برند.	اختلال بیش‌فعالی
عوامل خانوادگی	وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف والدین	والدین بیشتر دانش‌آموزان سواد کافی ندارند و این موجب عدم درک وظایف مدرسه توسط آنان می‌شود و مشکلاتی برای تحصیل بچه‌هاشون به وجود می‌آورد. اولیای اکثر دانش‌آموزان شغل مناسب ندارند. اکثر آن‌ها به موقع در خونه حاضر نمی‌شوند و برای تأمین هزینه زندگی مسافرکشی می‌کنند. برخی دانش‌آموزان امکانات بهداشتی و تغذیه مناسب ندارند و والدین آن‌ها اغلب کمتر با مدرسه و معلم خود در ارتباطند.	سواد ناکافی والدین بیکاری والدین و یا نداشتن شغل مناسب بهداشت و تغذیه نامناسب
		خانواده برخی دانش‌آموزان از امکانات زندگی مناسب برخوردار نیستند و بیشتر دانش‌آموزانم در خانه اتاق اختصاصی برای درس خواندن و مطالعه ندارند.	کمبود امکانات و پرجمعیت بودن خانواده
	هو عاطفی نامطلوب خانواده	به نظر می‌رسد دانش‌آموزان این مدرسه از سلامت روان کاملی برخوردار نیستند، آن‌ها رابطه عاطفی قوی با والدین خودشان ندارند، در برخی خانواده‌ها والدین باهم اختلاف دارند یا بطور کلی ازهم جدا شده‌اند. بسیاری از کودکان مدرسه که مشکلات یادگیری دارند، مضطرب، نامطمئن و بی اختیار و سرکش هستند که ممکنه این رفتارها با ناپایداری دریافت حس محبت و گرمی و پذیرش در منزل و محیط مدرسه پیوند داشته باشه.	کشمکش‌های پدر و مادر نبود محبت و گرمی در خانه

ادامه جدول (۱) مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	مصادیق (روایت‌های معلمان)	کدگذاری باز
عوامل خانوادگی		والدین بیشتر دانش‌آموزان مشارکت خوبی با فرزندان خود ندارند.	عدم مشارکت والدین با فرزندان
		والدین به فرزند خوب کمتر محبت می‌کنند و جو عاطفی مثبتی را برای خانواده خود به وجود نمی‌آورند.	کمبود محبت
عوامل مدرسه‌ای	نامناسب بودن روش‌های ارزشیابی	کارهای غیرضروری مانند پرکردن چک‌لیست‌ها و فرم‌ها زیاد شده، اما انجام این کارها به یادگیری بچه‌ها کمکی نمی‌کند.	چک‌لیست‌های فراوان
		علاوه بر اینکه ارزشیابی توصیفی زمان‌بره و از سوی دانش‌آموزان و والدین جدی گرفته نمی‌شود، فقط زحمات معلمان رو بیشتر کرده است.	زمان‌بر بودن تکمیل فرم‌ها
		بچه‌ها نسبت ارزشیابی‌هاشون بی‌تفاوت و بی‌خیالند چون درک صحیحی از نتیجه ارزشیابی ندارند.	بی‌تفاوتی شاگردان به ارزشیابی
عوامل مدرسه‌ای	جو نامطلوب در کلاس	علاوه بر اینکه ارزشیابی توصیفی زمان‌بره و از سوی دانش‌آموزان و والدین جدی گرفته نمی‌شود، فقط زحمات معلمان رو بیشتر کرده است.	خستگی معلم در ارزشیابی
		مشاهده همیشه که وضعیت فیزیکی و ظاهری معلم، همچنین صدای معلم، در ایجاد جو عاطفی مطلوب در کلاس اثرگذار می‌باشد.	نامناسب بودن وضعیت ظاهر معلم و کلاس
		و همچنین مشارکت معلمان و دانش‌آموزان در یادگیری درس و فعالیت‌هایی که به صورت دوستانه و همکارانه انجام می‌شود باعث ایجاد جو مثبت عاطفی در کلاس می‌گردد که متأسفانه در کلاس‌ها کمتر شاهد اینگونه فعالیت‌های تدریس هستیم.	نبود فعالیت‌های دوستانه و همکارانه
		معلمی که عادتاً با نشاط، خندان و خوش‌بین باشد و قابلیت‌ها و توانایی‌های فراگیرندگان خود را درک نماید و به آن اعتقاد داشته باشد، این طرز نگرش و برخورد او به طور مستقیم بر وضعیت روانی کلاس تأثیری مثبت بر جای خواهد گذاشت. اینگونه رفتارها ممکن است در کلاس‌های ما جدی گرفته نشود.	جو و قوانین انضباطی خشک

(۱) عوامل فردی

بسیاری از مسائل مربوط به یادگیری و نابهنجاری‌های دانش‌آموزان از علت‌های پنهانی که در تفاوت‌های فردی نهفته است ناشی می‌شود. شناخت تفاوت‌ها موجب بهبود کیفیت آموزش و پرورش و کاهش مشکلات یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. روایت‌های معلمان مدرسه در ارتباط با عوامل فردی، به دو مقوله کمبود انگیزش و اختلالات یادگیری دانش‌آموزان اشاره دارند.

(۱-۱) نداشتن انگیزش پیشرفت

در ارتباط با این موضوع، روایت معلم پایه چهارم از دلایل مشکلات یادگیری و راهکارهای افزایش انگیزه پیشرفت اینگونه بود: «یکی از دلایل مشکلات یادگیری دانش‌آموزانم نداشتن هدف و انگیزه پیشرفت است. برخی بچه‌ها نسبت به درس و یادگیری بی‌تفاوتند. برای این که ما بتوانیم انگیزه انجام تکلیف را در بچه‌ها بیشتر کنیم به روش این است که به آن‌ها تکالیف مناسبی بدیم تا از عهده حل آن‌ها برآیند، همچنین تفاوت‌های فردی را در ارائه تکلیف در نظر بگیریم».

معلم پایه ششم به اهمیت انگیزش پیشرفت و به دلایل کمبود انگیزه در دانش‌آموزان اشاره کرده و اینگونه روایت کرده است: «تا آنجایی من اطلاع دارم روان‌شناسان در پژوهش‌ها دریافته‌اند که نقش انگیزش در مسائل یادگیری و پیشرفت تحصیلی خیلی مؤثرتر از درجه هوش شاگردان هستند. به نظرم شاگردان این مدرسه مشکل استعداد تحصیلی و هوش ندارند. آن‌ها علاقه‌ای برای یادگیری از خود نشان نمی‌دهند و همچنین آن‌ها از اعتماد به نفس پایین و کمبود انگیزه رنج می‌برند که دلایل این کمبود به نوع شغل و سطح سواد والدین و دیگر عوامل هم مربوط می‌شود».

(۲-۱) اختلالات یادگیری

به‌طور کلی اختلالات یادگیری باعث ایجاد مشکلات یادگیری در دانش‌آموزان می‌شود و دانش‌آموزان را از ادامه تحصیل باز می‌دارد. در این پژوهش، در روایت‌های معلمان مدرسه، عوامل متعددی که باعث می‌شود اختلالات یادگیری منجر به شکست تحصیلی دانش‌آموزان گردد بازنمایی شده است. روایت معلم پایه اول از برچسب زدن به چنین دانش‌آموزانی این بود که «معلم‌ها آشنایی کافی با این نوع اختلالات شاگردان ندارند و بچه‌هایی که با مشکلات و اختلالات یادگیری همراه‌اند آن‌ها را تنبل می‌شناسند و در نتیجه ممکنه شاگردی که اختلال یادگیری داشته باشه تنها شناسایی نشده بلکه مشکلات آن بیشتر هم بشه. مثلاً دانش‌آموزانی که مشکل روخوانی متن کتاب درسی را دارند در حقیقت ممکنه این مشکل ناشی از یه نوع اختلال جسمی و روانی باشه و معلم علت این اختلال را درست تشخیص نده و در ادامه مشکل شاگرد بیشتر بشه».

معلم پایه ششم، ناتوانی‌های یادگیری شاگردان را با عملکرد مغز آنان در ارتباط دانسته است و گفته است: «بسیاری از معلمان دوره‌های ابتدایی در کلاس‌های خود با دانش‌آموزانی رو به رو می‌شوند که در یک یا چند زمینه مانند صحبت کردن، روخوانی، املانویسی و یا ریاضیات مشکل دارند و مشکلاتی مانند کم‌توجهی - بیش‌فعالی هم به روش‌های گوناگونی بر زندگی کودک اثر

می‌گذارد و باعث میشه بچه‌ها در یادگیری دچار مشکل شوند، به نظر می‌سد این دانش‌آموزان از یک نارسایی مغزی رنج می‌برند».

۲) عوامل خانوادگی

در این پژوهش‌روایی، معلمان فقر اقتصادی-اجتماعی والدین و جو عاطفی نامطلوب خانواده را مهم‌ترین عامل مرتبط با مشکلات یادگیری دانش‌آموزان دانسته‌اند.

۲-۱) وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف والدین

در این پژوهش، معلمان مدرسه ابتدایی از وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده دانش‌آموزان روایت کرده‌اند. معلم پایه سوم فقر خانواده‌ها را این‌گونه روایت کرده است: «خانواده برخی دانش‌آموزان از امکانات زندگی مناسب برخوردار نیستند و بیشتر دانش‌آموزانم در خانه اتاق اختصاصی برای درس خواندن و مطالعه ندارند». معلم پایه چهارم می‌گفت: «ولیای اکثر دانش‌آموزان شغل مناسب ندارند. اکثر آن‌ها به موقع در خونه حاضر نمی‌شوند و برای تأمین هزینه زندگی مسافرکشی می‌کنند». معلم پایه ششم می‌گفت: «برخی دانش‌آموزان امکانات بهداشتی و تغذیه مناسب ندارند و والدین آن‌ها اغلب کمتر با مدرسه و معلم در ارتباطند». معلم پایه دوم می‌گفت: «والدین بیشتر دانش‌آموزان سواد کافی ندارند و این موجب عدم درک وظایف مدرسه توسط آنان می‌شود و مشکلاتی برای تحصیل بچه‌هاشون به وجود می‌آورد». معلم پایه پنجم می‌گفت: «والدین باید نسبت به پایه تحصیلی و عناوین دروس فرزندشان اطلاع کافی داشته باشند، اما آنچه ما اینجا می‌بینیم این است که اکثر والدین از وضعیت درسی فرزندشون اطلاعی ندارند یا کمتر اطلاع دارند. ما سعی می‌کنیم که تعامل با اولیا را بیشتر کنیم چون این به نفع بچه‌هاست». معلم پایه اول می‌گفت: «هن با بیشتر اولیای دانش‌آموزان ارتباط تلفنی برقرار می‌کنم؛ متأسفانه اولیای بچه‌ها سواد کافی برای آموزش و تربیت بچه‌ها ندارند و آنها قادر نیستن از پس مشکلات تربیت و درسی بچه‌شون برآیند». با توجه به روایت‌های معلمان، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده در نظام ارزش‌ها به‌ویژه در روش تربیت و تحصیل فرزندان تأثیر می‌گذارد.

۲-۲) جو عاطفی نامطلوب خانواده

در این پژوهش در ارتباط با روابط والد-کودک معلم پایه اول این‌گونه روایت می‌کند: «به نظر می‌رسد دانش‌آموزان این مدرسه از سلامت روان کاملی برخوردار نیستن، آن‌ها رابطه عاطفی قوی با والدین خودشان ندارند، در برخی خانواده‌ها والدین باهم اختلاف دارند یا بطور کلی از هم جدا شده‌اند. معلم پایه ششم می‌گفت: والدین بیشتر دانش‌آموزان مشارکت خوبی با فرزندان خود ندارند. آن‌ها به فرزند خوب کمتر محبت می‌کنند و جو عاطفی مثبتی را برای خانواده خود به وجود نمی‌آورند».

به باور بیشتر معلمان مدرسه، وقتی روابط عاطفی والدین با بچه‌ها و همچنین روابط اجتماعی مناسبی بین افراد خانواده برقرار باشد کودک احساس امنیت می‌کند و چنین کودکی از سلامتی روانی و پختگی عاطفی و رشد اجتماعی بهتری برخوردار خواهد شد که طبعاً در سازگاری او با

مدرسه و یادگیری و پیشرفت تحصیلی وی تأثیر تعیین‌کننده دارد. در ارتباط با روابط عاطفی خانواده‌های دانش‌آموزان، همچنین معلم پایه سوم می‌گفت: «بسیاری از کودکان مدرسه که مشکلات یادگیری دارند، مضطرب، نامطمئن و بی‌اختیار و سرکش هستند که ممکنه این رفتارها با ناپایداری دریافت حس محبت و گرمی و پذیرش در منزل و محیط مدرسه پیوند داشته باشه».

۳) علل مدرسه‌ای

مدرسه در رشد و تحول کودک سهم به‌سزایی دارد و می‌تواند نقش خود را به طور سازنده و یا بعضاً به شکل مخرب ایفا کند. بر اساس روایت‌های معلمان از عوامل مدرسه‌ای می‌توان به نامتناسب بودن روش‌های ارزشیابی و جو نامطلوب کلاس درس اشاره نمود.

۳-۱) نامتناسب بودن روش‌های ارزشیابی

برای برقراری ارتباط شفاف‌تر با ادراک معلمان نسبت به این موضوع، دیدگاه‌های چند نفر از معلمان مشارکت‌کننده، در قالبی روایت‌گونه آورده شده است:

معلم پایه سوم، به نکته‌ای اشاره می‌نماید که نشانگر کم‌توجهی مسئولان طرح ارزشیابی توصیفی به فرهنگ‌سازی پیش از اجرای طرح ارزشیابی توصیفی است. به گفته او: «علاوه بر اینکه ارزشیابی توصیفی زمان‌بره و از سوی دانش‌آموزان و والدین جدی گرفته نمی‌شه، فقط زحمات معلما رو بیشتر کرده است. همچنین این روش ارزشیابی یادگیری دانش‌آموزان رو بهتر نکرده است». معلم پایه پنجم نیز ضمن ابراز تأسف از ضعف شدید برخی از دانش‌آموزانش، می‌گفت: «بچه‌ها نسبت ارزشیابی‌هاشون بی‌تفاوت و بی‌خیالند چون درک صحیحی از نتیجه ارزشیابی ندارند چند تا دانش‌موز دارم که در درس‌هایشان ضعیف‌اند؛ اما وقتی کارنامه سال قبلی آن‌ها را دیدم، جالب بود که ارزشیابی‌شون، خوب و خیلی خوب بود».

این مسئله را چندین نفر از معلمان مصاحبه‌شونده تأیید نمودند به نحوی که معلمان پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم دبستان، از ضعف برخی از دانش‌آموزان در املاء و نوشتن صحیح ساده‌ترین کلمات فارسی ناراضی بودند. معلمان پایه‌های اول و دوم یک عامل به وجود آورنده مشکلات یادگیری شاگردان را انجام فعالیت‌های غیرضروری و وقت‌گیر در ارزشیابی توصیفی دانش‌آموزان دانستند. در این زمینه توجه به نکات اشاره شده توسط این معلمان، می‌تواند بخشی از واقعیت ادراک‌شده را روایت نماید. معلم پایه اول بر این باور است که: «کارهای غیرضروری مانند پرکردن چک‌لیست‌ها و فرم‌ها زیاد شده، اما انجام این کارها به یادگیری بچه‌ها کمکی نمی‌کنه و فقط زحمات و دردسرایی معلمو زیاد کرده است». معلم پایه دوم نیز با توجه به حجم بالا و زمان‌بر بودن کارهای مربوط به تکمیل فرم‌ها و به‌ویژه عدم باور به ارزشمندی آن‌ها، به نکته‌ای اشاره می‌کند: «از وقتی ارزشیابی توصیفی در مدارس جا افتاده است، کاغذ بازی‌ها و تکمیل فرم‌ها زیادتر شده، تعداد زیادی از فرم‌های توصیفی باید برای هر یک از بچه‌ها پر بشه و تکمیل فرم‌ها وقت زیادی از کلاس رو می‌گیره».

۲-۳) جو نامطلوب در کلاس

در این پژوهش، معلمان مدرسه به تأثیرات وضعیت فیزیکی کلاس و ویژگی‌های معلمان و دانش‌آموزان؛ مانند مشارکت در یادگیری و انجام فعالیت‌های دوستانه اشاره کرده‌اند که در موفقیت یا شکست تحصیلی دانش‌آموزان نقش دارند. روایت معلم پایه ششم از این موضوع بدین گونه است: «مشاهده می‌شود که وضعیت فیزیکی و ظاهری معلم، همچنین صدای معلم، در ایجاد جو عاطفی مطلوب در کلاس اثرگذار می‌باشد و همچنین مشارکت معلمان و دانش‌آموزان در یادگیری درس و فعالیت‌هایی که به صورت دوستانه و همکارانه انجام می‌شود باعث ایجاد جو مثبت عاطفی در کلاس می‌گردد که متأسفانه در کلاس‌ها کمتر شاهد اینگونه فعالیت‌های تدریس و آموزش هستیم».

نوع برخورد و انتظارات معلم از نتایج عملکرد آموزشی هم در تعیین کیفیت جو عاطفی حاکم بر کلاس حائز اهمیت است. رفتار عاطفی معلم با دانش‌آموز بر یادگیری آنها اثر دارد و منجر به ایجاد حس عزت‌نفس دانش‌آموز و پرورش روابط دوستانه در کلاس و مدرسه می‌شود. معلم پایه سوم این گونه روایت می‌کند: «معلمی که عادتاً با نشاط، خندان و خوش‌بین باشد و قابلیت‌ها و توانایی‌های فراگیرندگان خود را درک نماید و به آن اعتقاد داشته باشد، این طرز نگرش و برخورد او به طور مستقیم بر وضعیت روانی کلاس تأثیری مثبت بر جای خواهد گذاشت. اینگونه رفتارها ممکن است در کلاس‌های ما جدی گرفته نشود. همچنین نوع جاذبه‌هایی که ما برای کلاس ایجاد می‌کنیم نیز در این خصوص از اهمیت خاصی برخورداره ...، به عنوان مثال شوخ‌طبعی و استفاده از شوخی و مزاح می‌تواند فضای مطلوبی را برای آموزش فراهم آورده و یادگیری را آسان‌تر کند».

بحث و نتیجه‌گیری

مشکلات یادگیری دانش‌آموزان و بررسی عوامل مؤثر در آن، موضوع مهمی است که بخش عمده‌ای از پژوهش‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی مشکلات یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی بر اساس روایت‌های معلمان صورت گرفت. بر طبق یافته‌های پژوهش، مشکلات یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی در سه طبقه یا مضمون اصلی؛ یعنی عوامل فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای قرار گرفت. در بحث عوامل فردی یا دانش‌آموزی، مقوله‌های فقدان انگیزش پیشرفت دانش‌آموزان و اختلالات یادگیری آنان از روایت‌های معلمان، به طور برجسته آشکار گردید. بیشتر معلمان کمبود انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان را عامل افت تحصیلی و مشکلات یادگیری آنان بیان کردند و معتقد بودند که با ارائه تکالیف متناسب و بازخورد مؤثر به دانش‌آموزان می‌توان انگیزه آنان را برای یادگیری افزایش داد. این نتایج مطابق با یافته پژوهش ماریانی، حسنا، وانگید، موستادی و واحه‌چارت (۲۰۱۸) و درتاج، زارعی، علی‌آبادی، فرج‌اللهی و دلاور (۱۳۹۵) است که نقش و اهمیت انگیزه پیشرفت در موفقیت تحصیلی را نشان داده‌اند. مقوله دیگر این طبقه اختلالات یادگیری بود. به‌طور کلی اختلالات یادگیری باعث ایجاد

مشکلات یادگیری در دانش‌آموزان می‌شود. به روایت معلمان، دانش‌آموزانی که در یادگیری دچار مشکل می‌شوند، به نظر می‌رسد آنان از یک نارسایی مغزی رنج می‌برند که این نتیجه با نتایج مطالعات بهاری قره‌گوز و هاشمی (۱۳۹۱)، لرنر (۱۳۸۴) و نریمانی (۱۳۸۱) همخوان است. برخی معلمان هم روایت کرده‌اند که عدم آشنایی معلمان با این نوع اختلالات، مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را بیشتر کرده است. در بحث عوامل خانوادگی، مقوله‌های وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین و کمبود روابط عاطفی والدین با بچه‌ها از روایت‌های معلمان بازنمایی شد. به روایت برخی معلمان والدین بیشتر دانش‌آموزان شغل مناسب و سواد کافی ندارند و این مساله موجب عدم درک وظایف مدرسه شده و مشکلاتی برای تحصیل دانش‌آموزان به وجود می‌آورد. مشابه این یافته، در پژوهش ابوالقاسمی، گلپور، نریمانی و قمری (۱۳۹۰)، دادفر، بازدار، نصرالهی، عبدالحسینی و احمدی (۱۳۹۲) رابطه بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده با مشکلات یادگیری دانش‌آموزان نشان داده شده است. در ارتباط با عوامل خانوادگی مؤثر بر مشکلات یادگیری، برخی معلمان روایت نموده‌اند که والدین بیشتر دانش‌آموزان مشارکت خوبی با فرزندان خود ندارند. آن‌ها جو عاطفی مثبتی را برای فرزندان خود به وجود نمی‌آورند که این نتایج نیز با یافته‌های پژوهش شکوهی‌یکتا، پرند و درگاهی (۱۳۹۵) همسو است. در بررسی عوامل مدرسه‌ای مؤثر بر مشکلات یادگیری دانش‌آموزان، دو مقوله نامتناسب بودن روش‌های ارزشیابی و جو نامطلوب در کلاس، از روایت‌های معلمان آشکار گردید. وقت‌گیر بودن کار ارزشیابی توصیفی به دلیل تنوع ابزارها، بیشترین موردی هست که معلمان روایت کرده‌اند و این یافته نیز با نتایج پژوهش واله، رگوریو، نونز، رودریگز، پین‌رو و روساریو (۲۰۱۶) و کرمعلیان، جعفری و عبادی (۱۳۹۲) همخوان است. بررسی پروژه‌ها و تکالیف دانش‌آموزان و مشاهده رفتار آنها در حین آموزش و یادگیری به عنوان راهکار سنجش و ارزشیابی در صورتی اثربخش خواهد بود که با شرایط دانش‌آموزان متناسب باشد. به باور معلمان نگرش و برخورد عاطفی معلم به طور مستقیم بر وضعیت و جو روانی کلاس تأثیری مثبت بر جای خواهد گذاشت؛ اما این‌گونه رفتارها ممکن است از طرف معلمان جدی گرفته نشود. به عقیده آن‌ها استفاده از شوخی و مزاح می‌توان فضای مطلوبی را در کلاس فراهم آورد و باعث افزایش مشارکت شاگردان در فعالیت‌های کلاس شد. چنین یافته‌ای در روایت‌های معلمان با یافته‌های رضایی، کشاورزی و پاک‌پاک (۲۰۱۸) و برکوئیتز، مور، آستور و بن‌بنیشتی (۲۰۱۷) همخوان است.

در این پژوهش برخی از عوامل که در ایجاد مشکلات یادگیری دانش‌آموزان تأثیر داشته‌اند از روایت‌های معلمان شناسایی شد. به تناسب نوع مشکل باید آموزش‌های لازم به معلمان و خانواده‌ها ارائه شود. شناسایی و تشخیص زودهنگام مشکلات یادگیری در کودکان، گام مؤثری در پیشگیری از افت تحصیلی است. به منظور آشنایی با مشکلات و اختلالات یادگیری دانش‌آموزان، مدارس و ادارات آموزش و پرورش باید فرصت‌هایی را برای آموزش معلمان و خانواده‌ها ارائه دهند تا از ادامه آسیب‌های احتمالی به دانش‌آموزان پیشگیری گردد. معلمان دبستانی باید از علائم اولیه اختلالات

یادگیری خاص آگاهی داشته باشند تا بین کودکانی که به طور معمول در حال رشد هستند و کودکانی که در معرض خطر اختلالات یادگیری خاص هستند، تفاوت قائل شوند (بالیکچی و ملک اغلو، ۲۰۲۰). بسیار مهم است که معلمان و مددکاران اجتماعی با مدیران مدارس همکاری داشته باشند و برنامه‌هایی را برای کودکان دارای مشکلات اقتصادی-اجتماعی تدارک ببینند تا فرصت یادگیری با کیفیت و برخورد یکسان در مدارس برای آنها فراهم شود. آموزش والدین در مورد نیازهای فرزندان و مشارکت آنها در آموزش فرزندان، بهبود آموزش و یادگیری، توسعه مداوم حرفه‌ای معلمان و افزایش منابع یادگیری می‌تواند کمبود یک فضای یادگیری خوب در خانه را جبران کند.

امروزه مدارس به شکلی از سنجش پیشرفت تحصیلی نیازمند می‌باشد که از دانش‌آموزان بخواهد به تکالیفی عمل کنند که نیازمند کاربرد دانش و مهارت‌های اساسی در شرایط واقعی و اصیل زندگی باشند (رستگار، ۱۳۸۹). بنابراین به جای اینکه معلمان صرفاً به پر کردن فرم‌های ارزشیابی زمان بر اقدام نمایند به انجام ارزشیابی عملکرد، مشاهده آگاهانه و انجام پروژه‌های دانش‌آموزی - که معلم را از فرایند موفقیت‌آمیز و رشد فرد آگاه می‌سازد- بپردازد. در ادبیات آموزشی به نظر می‌رسد که انجام تکالیف همیشه برای دانش‌آموزان مفید است، اما این نیز درست است که رمز موفقیت در مدرسه به میزان انجام تکالیف مربوط نمی‌شود؛ بلکه به چگونگی مشارکت دانش‌آموزان در انجام تکالیف بستگی دارد. برقراری جو عاطفی مثبت در مدرسه و تشویق درونی و پاداش، انگیزاننده‌های مهمی هستند که باعث می‌شود شاگردان برای کاری که اختصاص داده شده انگیزه و علاقه پیدا کنند. روابط مبتنی بر محبت، احترام و اعتماد متقابل میان دانش‌آموز و معلم، فرصت مناسبی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند مسائل، مشکلات و استرس‌های خود را با معلمان در میان بگذارند و از حمایت‌های عاطفی و راهنمایی‌های سازنده آنها برخوردار شوند. دخالت والدین در پیشبرد اهداف مدرسه عامل مهمی است که بر رشد کلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. بنابراین، مدرسه باید والدین را تشویق کند تا آنان برای بهبود وضعیت تربیتی و تحصیلی فرزندشان به‌روز شوند.

برای مدارس مهم است که دانش‌آموزان به صورت مشارکتی و دوستانه یاد بگیرند و کارکنان به صورت همکارانه کار کنند و دانش و مهارت خودشان را به اشتراک بگذارند. بنابراین، معلمان باید چنین تمرین‌هایی را در مدرسه انجام دهند تا مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را کاهش دهند. برای بهبود وضعیت آموزشی دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی متمرکز بر عملکرد خانواده باید به طور خاص در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد. با توجه به ضعف بسیاری از دانش‌آموزان در روخوانی متن کتاب و درک معانی لغات در دروس مختلف، پیشنهاد می‌شود که معلمان بخشی از زمان هر جلسه را به روخوانی متن درس اختصاص دهند. همچنین پیشنهاد می‌-

شود که نظام آموزشی با انجام روش‌های تربیتی مناسب و غنی کردن محیط آموزشی و نحوه تعامل و مدیریت کلاسی معلمان، مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را کاهش دهند.

منابع

- ابوالقاسمی، عباس؛ گلپور، رضا؛ نریمانی محمد و قمری حسین (۱۳۹۰)، بررسی رابطه باورهای فراشناختی مختل با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارای اضطراب امتحان، *مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی*، ۳(۱۰)، ۲۰-۵.
- بهراری قره‌گوز، علی و هاشمی، تورج (۱۳۹۲)، بررسی میزان شیوع مشکلات ویژه یادگیری در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی استان آذربایجان شرقی. *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، ۱(۳)، ۲۸-۴۳.
- خوش‌خلق، ایرج و شریفی، حسن‌پاشا (۱۳۸۹). گزارش نتایج ارزشیابی اجرای آزمایشی ارزشیابی توصیفی در برخی از مناطق آموزش کشور، تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- دادفر، رضا؛ بازدار، فاطمه؛ نصرالهی، عباس؛ عبدالحسینی، امیر و احمدی، وحید (۱۳۹۲)، بررسی عوامل خانوادگی موثر بر افت تحصیلی دانش‌آموزان، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۱(۶)، ۲۳۱-۲۳۴.
- درتاج، فریبا؛ زارعی زوارکی، اسماعیل؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فرج‌اللهی، مهران و دلور، علی (۱۳۹۵)، *فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۰(۳۵)، ۱-۲۰.
- رستگار، طاهره (۱۳۸۹)، *ارزشیابی در خدمت آموزش*، تهران: انتشارات منادی تربیت.
- رضائی اشینانی، ایران؛ یارمحمدیان، احمد؛ فرهادی، هادی. (۲۰۱۸). اثربخشی آموزش مبتنی بر مهرورزی مادران بر مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی دارای اختلالات یادگیری عصب روان‌شناختی/تحوّلی. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۸(۲): ۱۷-۳۲.
- سیف‌نراقی، مریم و نادری، عزت‌الله (۱۳۹۸)، *نارسایی‌های ویژه در یادگیری و چگونگی تشخیص و روش‌های بازپروری*، تهران، ارسباران.
- شفاهی، راضیه و صالحی، کیوان (۱۳۹۶)، بازنمایی تجربه زیسته آموزگاران از مشکلات یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی: مطالعه‌ای به روش پدیدارشناسی، *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی*، ۸(۱)، ۱۶۹-۱۸۸.
- شکوهی‌یکتا، محسن؛ پرنده، اکرم و درگاهی، محبوبه (۱۳۹۵)، مداخله‌های پیشگیرانه خانواده‌محور: تأثیر بر روابط والد-کودک و روش‌های تربیتی والدین، *فصلنامه سلامت روانی کودک*، ۳(۲)، ۵۵-۶۳.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، ۲(۱۰)، ۱۵۱-۱۹۸.

- علائی، رقیه؛ نریمانی، محمد و علائی، سارا (۱۳۹۱). مقایسه باورهای خودکارآمدی و انگیزه پیشرفت در میان دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، ۱(۳)، ۸۵-۱۰۴.
- قریشی‌راد، فخرالسادات (۱۳۸۶). بررسی علل پدیده کم‌آموزی و افت تحصیلی در مدارس و راه‌های مقابله با آن؛ *مجله تربیت*، ۱۳(۶)، ۳۲-۳۶.
- کرمعلیان، حسن؛ جعفری، رضا و عبادی، حسین (۱۳۹۲). بررسی مشکلات اجرای ارزشیابی کیفی توصیفی از دیدگاه معلمان و مدیران. *مجله رویکردهای نوین آموزشی*، ۸(۲)، ۷۳-۹۲.
- کیانی، احمدرضا؛ اسدی، مسعود و محمدی، علی (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر اختلالات یادگیری در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی استان قزوین، *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، ۶(۴)، ۱۰۴-۱۲۵.
- لرنر، ژانت دلبلیو (۱۳۸۴). *ناتوانی‌های یادگیری: نظریه‌ها، تشخیص و راهبردهای تدریس*. ترجمه عصمت دانش، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- میرشمشیری، مرجان و مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۸). افسانه تعلیم و تربیت: مطالعه موردی یک مدرسه به روش خبرگی و نقادی تربیتی، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۸(۳)، ۷-۳۰.
- نریمانی، محمد (۱۳۸۱). *بررسی اختلالات خاص یادگیری در دوره ابتدایی و عوامل مؤثر بر آن در استان اردبیل*. طرح پژوهشی، دانشگاه محقق اردبیلی.
- نریمانی، محمد و نجفی، سوران (۱۳۸۴). بررسی شیوع و علل اختلالات یادگیری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی استان اردبیل، *فصلنامه کودکان/استثنایی*، ۵(۳)، ۲۲۳-۲۴۸.
- نوری‌زاد، داود و مردایان، آرش (۱۳۹۷). اختلال‌های یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، *مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی*، *مجله علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۱(۱)، ۱-۱۷.
- Abubakar, H.; Madugu, A., & Idris, M. (2020). Exploring the Effectiveness of Project-Based Learning Approach on Junior Secondary School Students' Academic Achievement in Descriptive Geometry in Katsina, Nigeria. *International Journal of Progressive Sciences and Technologies*, 22(2), 137-145.
- Balikci, O. S., & Melekoglu, M. A. (2020). Early Signs of Specific Learning Disabilities in Early Childhood. *International Journal of Early Childhood Special Education*, 12(1). 75-104
- Berkowitz, R.; Moore, H.; Astor, R. A., & Benbenishty, R. (2017). A research synthesis of the associations between socioeconomic background, inequality, school climate, and academic achievement. *Review of Educational Research*, 87(2), 425-469.
- Cortiella, C., & Horowitz, S. H. (2014). The state of learning disabilities: Facts, trends and emerging issues. *New York: National center for learning disabilities*, 25, 2-45.
- Koban Koch, D. (2016). The Effects of Socio-Economic Status on Prospective English Language Teachers' Academic Achievement. *Novitas-ROYAL (Research on Youth and Language)*, 10(2), 100-112.
- Maryani, I., Husna, N. N., Wangid, M. N., Mustadi, A., & Vahechart, R. (2018). Learning difficulties of the 5th grade elementary school students in learning human and animal body organs. *Jurnal Pendidikan IPA Indonesia*, 7(1), 96-105.

- Nuari, L. F., Prahmana, C. I., & Fatmawati, I. (2019). Learning of Division Operation for Mental Retardations' Student through Math GASING. *Journal on Mathematics Education*, 10(1), 127-142.
- Rezaei-Dehaghani, A., Keshvari, M., & Paki, S. (2018). The relationship between family functioning and academic achievement in female high school students of Isfahan, Iran, in 2013–2014. *Iranian journal of nursing and midwifery research*, 23(3), 183–187.
- Valle, A.; Regueiro, B.; Nunez, J. C.; Rodriguez, S.; Pineiro, I., & Rosario, P. (2016). Academic goals, student homework engagement, and academic achievement in elementary school. *Frontiers in Psychology*, 7, 463.
- Wijaya, A., Retnawati, H., Setyaningrum, W., & Aoyama, K. (2019). Diagnosing Students' Learning Difficulties in the Eyes of Indonesian Mathematics Teachers. *Journal on Mathematics Education*, 10(3), 357-364.

